

تحلیل قرآنی روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام

در «مستدرک علی الصحیحین»*

- میثم خلیلی^۱
- جواد فرامرزی^۲
- محمدجواد آبتین^۳

چکیده

فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در جلد سوم و طی نوزده روایت از کتاب «مستدرک علی الصحیحین» تجلی یافته است. پرسش پژوهش حاضر چگونگی تطبیق روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در مستدرک حاکم با آیات قرآن کریم است. این مقاله درصدد است با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، محتوای روایات «مستدرک علی الصحیحین» در فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را به آیات قرآن کریم عرضه کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد روایات شأن نزول آیه تطهیر و حدیث کساء ناظر به عصمت اهل بیت علیهم‌السلام، و با آیه ۷۹ سوره واقعه مطابق است. روایت صلوات بر خاندان عصمت علیهم‌السلام را می‌توان با آیه ۳۳ آل عمران مطابق دانست. محتوای روایت شأن نزول آیه مباحله طبق نقل حاکم نیشابوری، با آیه تطهیر گره خورده

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۴.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله حائری میبد (نویسنده مسؤول).

Meysam.khalili1370@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (Javadfaramarzi70@gmail.com).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آیت الله حائری میبد.

mohamadjavad.abtin@yahoo.com

است. در دلالت آیه مباحله بر برتری اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان به آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام و آیه ۴۲ سوره آل عمران استناد جست. با عرضه روایت ثقلین بر قرآن کریم، حقانیت و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام ثابت می‌شود. روایات نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیرامون وجوب محبت به خاندان عصمت علیهم‌السلام را می‌توان به آیه ۲۳ سوره شوری عرضه کرد. محتوای حدیث سفینه با آیات تطهیر و اولی الامر مطابق است. روایات مستدرک مبنی بر ولایت امام علی علیه‌السلام را نیز می‌توان با آیات «تبلیغ»، «اکمال دین» و «سأل سائل» مطابق دانست.

واژگان کلیدی: تحلیل قرآنی، فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، روایت، مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری.

مقدمه

کتاب «مستدرک علی الصحیحین» تألیف «ابوعبدالله، محمد بن عبدالله محمد بن حمدویه بن نعیم بن حکم» مشهور به «ابن البیع» و «حاکم نیشابوری» (۴۰۵ - ۳۲۱ق)، از کتاب‌های معتبر حدیثی اهل سنت به‌شمار می‌آید (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ۲۸۱/۱). نویسنده، در کتاب مذکور سعی کرده، احادیثی را که طبق شروط بخاری و مسلم صحیح است، ولی این احادیث را در کتاب‌های خود نقل نکرده‌اند، جمع‌آوری نماید (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۴۸۹/۴). قسمت عمده‌ای از جلد سوم کتاب به شرح زندگانی صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختصاص یافته است. در این قسمت از کتاب، حاکم نیشابوری زمان و مکان تولد، زمان اسلام آوردن و چگونگی همراهی این صحابه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فضائل و مناقب، نقش این صحابه در تاریخ اسلام، تاریخ و چگونگی وفات ایشان و... را مورد بررسی قرار داده است. وی بحث در این زمینه را با سیره خلفای راشدین آغاز کرده و به شرح زندگانی خلفای اربعه از دیدگاه اهل سنت، به ترتیب پرداخته است (همان، ۶۸/۳ - ۱۲۳). پس از شرح زندگانی سه خلیفه اول، بخشی را به سیره علی بن ابی طالب علیه‌السلام اختصاص داده است. در شرح زندگانی علی علیه‌السلام، قسمتی را به ذکر مناقب حضرت اختصاص داده است. حاکم پس از نقل فضایل امام علی علیه‌السلام، قسمتی را به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام - که شامل پنج تن آل عبا علیهم‌السلام می‌شوند - اختصاص داده است. حاکم در این قسمت، نوزده روایت را در فضل اهل بیت علیهم‌السلام با اسناد

بخاری و مسلم آورده که شامل احادیث تکراری و غیر تکراری است (همان، ۱۷۱/۳ - ۱۷۷). از آنجایی که یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش صحت یک روایت، عرضه آن به آیات قرآن کریم است (کلینی، ۱۳۸۸، ۶۹/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۹۲/۱)، با عرضه روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در مستدرک حاکم به آیات قرآن، می‌توان صحت این روایت را مورد بررسی قرار داد. این نوشتار در راستای تحلیل قرآنی روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام با محوریت کتاب «مستدرک علی‌الصحیحین» به رشته تحریر در آمده است.

بیان مسأله

به اعتقاد شیعه، اهل بیت علیهم‌السلام که منحصر در پنج تن علیهم‌السلام می‌باشند دارای مقام عصمت و برگزیدگی هستند. از جمله دلایل شیعه جهت اثبات این مطلب، استناد به روایات معتبری است که در کتاب‌های اهل سنت وجود دارد. کتاب مستدرک علی-الصحیحین از جمله معتبرترین این کتب است. هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به پرسش زیر است:

- روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در مستدرک علی‌الصحیحین را می‌توان با چه آیاتی از قرآن کریم مطابق دانست؟

در راستای دست‌یابی به این هدف، جستار حاضر ضمن نقل روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در مستدرک علی‌الصحیحین، به تحلیل قرآنی این روایات می‌پردازد. مقاله پیش‌رو که از زمره پژوهش‌های بنیادین می‌باشد، با روش توصیفی - تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

آثار زیادی به طور مستقل در موضوع بررسی فضایل اهل بیت علیهم‌السلام نگارش یافته‌اند. از جمله این آثار عبارت‌اند از: اخبار و احادیث و حکایات در مناقب اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مناقب اولاد بتول علیهم‌السلام (۱۳۸۶): طبرسی؛ اخبار مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، میراث مشترک امت (۱۳۸۷): معارف؛ مناقب اهل بیت علیهم‌السلام در روایات تفسیر ثعلبی (۱۳۸۹): جشنی آرانی؛ اما در شرح و بررسی موضوع تحلیل قرآنی فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در کتاب حاکم نیشابوری، تا کنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. ولی در مورد شخصیت

و آثار حاکم نیشابوری آثاری نگاشته شده است که عبارت‌اند از کتاب: تلخیص المستدرک (بی‌تا): ذهبی؛ مقالات: نگرشی بر کتاب مستدرک علی الصحیحین با نگاهی به زندگی و آراء «حاکم نیشابوری» (۱۳۸۷): مرتضی قاسمی؛ نقد آرای ذهبی ذیل روایت‌های مستدرک حاکم درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام (۱۳۹۲): فخاری. هم‌چنین پیرامون عرضه روایات یک کتاب بر آیات قرآن، تحقیق‌های مستقلی صورت گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات: شواهد قرآنی روایات باب «کبر» اصول کافی (۱۳۹۲): خرقانی و خدایی؛ و باب «شکر» کافی در سنجش با قرآن (۱۳۹۴): همان نویسندگان اشاره نمود.

مقاله حاضر سعی دارد بعد جدیدی از احادیث کتاب مستدرک حاکم را مورد بررسی قرار دهد، بدین معنا که سعی می‌شود محتوای احادیث کتاب مستدرک، با آیات کلام وحی انطباق داده شود تا صحت این احادیث مشخص گردد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به کثرت نقل فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در کتاب مستدرک حاکم و هم‌چنین اعتبار بالای این کتاب نزد علمای اهل سنت، پرداختن به احادیث فضایل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام با محوریت این کتاب، موضوعی ضروری است. دسته‌بندی و تحلیل قرآنی روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در مستدرک حاکم به شرح زیر است:

الف. روایات پیرامون شأن نزول آیه تطهیر

حاکم نیشابوری، روایات پیرامون فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را با شأن نزول آیه تطهیر آغاز نموده است و پنج روایت را در این زمینه نقل می‌کند. در روایتی از واثله بن الأسقع پیرامون شأن نزول این آیه آمده است: «أتیت علیاً علیه‌السلام فلم أجده، فقال لی فاطمة علیها‌السلام: انطلق إلى رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم يدعوه، فجاء مع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فدخلنا ودخلت معهما، فدعا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الحسن والحسين علیهما‌السلام فأفعد کل واحد منهما فخذبه، وأدنی فاطمة علیها‌السلام من حجره وزوجها، ثم لف علیهم ثوباً، وقال: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ ثم قال: «هؤلاء أهل بيتي، اللهم أهل بيتي أحق» هذا حديث

صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۷۱/۳، ح ۴۷۶۹).
آمدم که خدمت علی علیه السلام برسم، ولی آن حضرت را نیافتم. حضرت زهرا علیها السلام فرمود:
علی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته است. در همین حین، آن حضرت به همراه علی علیه السلام
وارد خانه شدند و من هم به همراه آنان داخل شدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام
را صدا زدند و هر یک را به روی زانوی خود نشانند و فاطمه علیها السلام نیز نزدیک حضرت
آمدند و در این حال، حضرت پارچه‌ای را بر روی آن‌ها انداخت و فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ سپس فرمود: این‌ها اهل-
بیت علیهم السلام من هستند، خدایا! اهل بیت من سزاوارترند.

در روایتی از ام سلمه نقل شده که گفته: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳) قالت: فأرسل رسول الله صلی الله علیه و آله إلى علی و فاطمة
و الحسن و الحسين علیهم السلام فقال: «هؤلاء أهل بيتي» هذا حديث صحيح علی شرط
البخاری و لم یخرجاه» (همان، ۱۷۱/۳، ح ۴۷۸۲ و نیشابوری، بی تا، ۴، ۱۸۸۳) در دو روایت
دیگر، شبیه همین مضمون را از عایشه و سعد، نقل می کند (همان، ۱۷۲/۳، ح ۴۷۷۰ و
۴۷۷۱).

حدیثی دیگر را با سند اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب عن ابيه نقل
کرده: «لَمَّا نَظَرَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى الرَّحْمَةِ الْهَابِطَةِ قَالَ: «ادعوا لی، ادعوا لی» فقالت
صفیة: من یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال: «أهل بيتی علیاً و فاطمة و الحسن و الحسين علیهم السلام»
فجیء بهم، فألقى علیهم النبی صلی الله علیه و آله کساءه، ثم رفع یدیه، ثم قال: «اللهم هؤلاء آلی

۱. سند کامل روایت بدین شرح است: «حدثنا ابو العباس محمد بن يعقوب، حدثنا الربيع بن سليمان المرادی و بحر بن نصر الخولانی، قالوا: حدثنا بشر بن بكر وحدثنا الاوزاعي، حدثني ابو عمار، حدثني وائلة بن الاسقع».

۲. «أخبرني جعفر بن محمد بن نصير الخلدی بیغداد، حدثنا موسى بن هارون، حدثنا قتيبة بن سعيد، حدثنا حاتم بن اسماعیل عن بكير بن مسمار عن عامر بن سعد عن ابيه».

۳. «حدثنا ابو العباس محمد بن يعقوب، حدثنا الربيع بن سليمان المرادی و بحر بن نصر الخولانی، قالوا: حدثنا بشر بن احمد المحبوبي بمرور، حدثنا سعيد بن مسعود، حدثنا عبيد الله بن موسى انا زكريا بن ابی زائدة، حدثنا مصعب بن شيبه عن صفیة بنت شيبه».

۴. «كتب الي ابو اسماعیل محمد بن النحوی يذكر ان الحسن بن عرفة حدثهم قال: حدثني علی بن ثابت الجزري، حدثنا بكير بن مسمار مولى عامر بن سعد سمعت عامر بن سعد».

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ هذا حديث صحيح الاسناد و لم يخرجاه» (همان، ۱۷۲/۳، ح ۴۷۷۲^۱ و بخاری، ۱۴۰۷، ۴۰۸/۶؛ نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۳۰۵)

احادیث مطرح شده، با وجود اختلاف اسناد، همگی یک مضمون را دنبال می کنند و محوریت روایات مذکور، نزول آیه تطهیر (۳۳ احزاب) در شأن امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. شأن نزول آیه تطهیر در مستدرک حاکم، با روایات مربوط به حدیث کساء گره خورده است. روایات مذکور نیز نشان-دهنده این مطلب است که حاکم نیشابوری، اهل بیت علیهم السلام را منحصر در پنج تن علیهم السلام می-داند. علاوه بر مستدرک حاکم، روایات پیرامون نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت عصمت علیهم السلام توسط بسیاری از علمای اهل سنت نقل گردیده است. از جمله: طبری در تفسیر خود، به سند خود، روایتی از ابوسعید خدری پیرامون شأن نزول آیه تطهیر نقل می کند که در این روایت، مصداق «اهل البیت» منحصر در پنج تن علیهم السلام است (طبری، ۱۹۸۸، ۶/۱۲). آجری بغدادی در کتاب «الشريعة» و در ابتدای نقل فضایل اهل-بیت علیهم السلام، به نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت علیهم السلام و هم چنین حدیث کساء اشاره نموده است (آجری بغدادی، ۱۴۱۷، ۳۸۴/۴). سیوطی و مسلم نیز در تفسیر روایی خود، روایات نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت علیهم السلام و حدیث کساء را نقل کرده است (سیوطی، ۱۹۹۳، ۶۰۳/۶؛ نیشابوری، بی تا، ۱۳۰/۷).

در تحلیل قرآنی روایات شأن نزول آیه تطهیر و حدیث کساء، می توان به آیه ۷۹ سوره مبارکه واقعه اشاره نمود. در این آیه، دسترسی به قرآن مختص «مطهرون» عنوان شده است: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾.

منظور از «مطهرون» کسانی هستند که خدای تعالی دل هایشان را از هر رجس و پلیدی یعنی از رجس، گناهان و پلیدی ذنوب پاک کرده و یا از چیزی که از گناهان هم پلیدتر و عظیم تر و دقیق تر است و آن عبارت است از تعلق به غیر خدای تعالی و این

۱. «حدثني ابوالحسن اسماعيل بن محمد بن الفضل بن محمد الشعرائي، حدثنا جدی، حدثنا ابوبكر بن ابي شيبة الحزامي، حدثنا محمد بن اسماعيل بن ابي فديك حدثني عبدالرحمان بن ابي بكر المليكي عن اسماعيل بن عبدالله بن جعفر ابن ابي طالب عن ابيه».

معنای از تطهیر با کلمه «مس» که به معنای علم است، مناسب‌تر از طهارت به معنای پاکی از حدث و یا خبث است و این خیلی روشن است.

پس مطهرون عبارتند از کسانی که خدای تعالی دل‌هایشان را پاک کرده، مانند ملائکه گرامی و برگزیدگانی از بشر که درباره آنان فرموده: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹/۲۳۸)

لذا باید گفت ارتباطی معنایی میان آیه ۳۳ احزاب و آیه ۷۹ واقعه وجود دارد. این ارتباط را روایات تفسیری که مقصود از «مطهرون» را اهل بیت عصمت علیهم‌السلام می‌دانند، تأیید می‌کنند. به عنوان نمونه، سلیم بن قیس از امام علی علیه‌السلام روایت می‌کند که حضرت مقصود از پاکانی را که به باطن قرآن دسترسی دارند، خاندان عترت علیهم‌السلام معرفی می‌کند، اما حاکم نیشابوری، پس از نقل روایات بسیار در زمینه شأن نزول آیه تطهیر و حدیث کساء، روایتی را بیان می‌کند که در آن چگونگی صلوات و درود فرستادن به اهل بیت علیهم‌السلام این گونه مطرح شده است:

«قولوا: اللهم صل على محمد و على آل محمد، كما صليت على إبراهيم، و على آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد، و على آل محمد، كما باركت على إبراهيم و على آل إبراهيم، إنك حميد مجيد» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۷۱/۳، ح ۴۷۷۳؛ بخاری، ۱۴۰۷، ۶/۴۰۸)

در توضیح انحصار «آل» بر اهل بیت علیهم‌السلام و عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طبق این روایت باید گفت: برداشت‌های متفاوتی از واژه «آل» در میان علمای اهل سنت وجود دارد، اما هنگامی که به پیامبران به خصوص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت داده می‌شود، بر اهل بیت علیهم‌السلام ایشان دلالت دارد. از جمله آن‌ها، روایاتی است که درباره عدم تخصیص صدقه به آل-محمد علیهم‌السلام وارد شده است. این روایات به وضوح نشان‌گر انحصار ترکیب «آل محمد» به حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیه‌السلام و فرزندانشان علیهم‌السلام دارد (به‌عنوان نمونه ر. ک: بخاری، ۱۴۰۷، ۲/۱۲۶؛ ۵/۲۰؛ ۵/۱۳۹؛ مسلم، بی‌تا، ۲/۷۵۱-۷۵۴).

۱. «حدثنا ابو بكر احمد بن سلمان الفقيه ببغداد، حدثنا احو بن زهير بن حرب، حدثنا ابو سلمه موسى بن اسماعيل، حدثنا عبد الواحد بن زياد، حدثنا ابو فروه حدثني عبدالله بن عيسى بن عبدالرحمن بن ابي ليلى انه سمع عبدالرحمن بن ابي ليلى».

خاطر نشان می‌گردد صلوات بر «آل محمد ﷺ» در این روایت، با صلوات و درود بر خاندان ابراهیم ﷺ گره خورده است. حاکم نیشابوری، بعد از نقل روایاتی که پیرامون فضل اهل البیت ﷺ نقل کرده است و اهل بیت ﷺ و آل پیامبر را منحصر در علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن ﷺ و حسین ﷺ دانسته است، صلوات مذکور را نقل کرده است. در نتیجه می‌توان گفت، مقصود از «آل محمد ﷺ» در این صلوات، همان اهل-بیت ﷺ ایشان‌اند که همان ائمه معصومین ﷺ از ذریه ایشان می‌باشند.

لازم به ذکر است این صلوات خاص بر آل محمد ﷺ که همان اهل بیت ایشان و منحصر در پنج تن می‌باشند را، با همین الفاظ که در حدیث فوق ذکر گردید، محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم نیشابوری در صحیح خود نقل کرده‌اند (بخاری، ۲۰۰۱، ۶۱۸/۱؛ نیشابوری، بی‌تا، ۲۰۸/۱).

در تطبیق این صلوات به آیات قرآن کریم باید گفت: خداوند در آیه ۳۳ سوره مبارکه آل عمران، گزینش آل ابراهیم را بر دیگران مطرح می‌نماید و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۳۳) خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

در این آیه شریفه، آل ابراهیم بر دیگران برتری داده شده‌اند. با اندکی تأمل در آیه شریفه و هم‌چنین صلوات مطرح شده، می‌توان ارتباط این آیه شریفه را با حدیث نبوی مشاهده نمود، چرا که در هر دو مورد، ذریه پاک پیامبر ﷺ که اهل بیت عصمت و طهارت‌اند، بر دیگران برتری داده شده و مورد تحیت خداوند قرار گرفته‌اند.

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه مصداق از «آل ابراهیم» را این‌گونه بیان می‌دارد: «مراد از آل ابراهیم، بنی اسرائیل یعنی دودمان اسحاق و یعقوب نیست، چون بنی اسرائیل هم دودمان یعقوب‌اند، در نتیجه از آل ابراهیم تنها معصومین از دودمان اسماعیل باقی می‌ماند که منظور از کلمه "آل ابراهیم" اند، که پیامبر اسلام و دودمانش از ایشانند. پس معلوم شد که مراد از کلمه "آل ابراهیم" طاهرین و معصومین ﷺ از ذریه آن جناب است، البته خصوص ذریه‌ای که از ناحیه اسماعیل ﷺ پدید آمده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۱/۳).

در نتیجه، علامه ذریه پاک رسول خدا ﷺ را از مصادیق بارز «آل ابراهیم» معرفی می‌نمایند.

در برخی روایات شیعه و اهل سنت، اضافه تفسیری میان این آیه نقل شده است که مؤید استدلال مذکور است. به عنوان نمونه، در شواهد التنزیل حاکم حسکانی از ابن مسعود نقل شده که آیه را به صورت زیر قرائت می کرد:

«عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ شَقِيقِ قَالَ: قَرَأْتُ فِي مُصْحَفِ عَبْدِ اللَّهِ [وَ] هُوَ ابْنُ مَسْعُودٍ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ ﷺ عَلَى الْعَالَمِينَ»
(حسکانی، ۱۴۱۱، ۱۵۲/۱)

عمادالدین طبری از علمای شیعه نیز در «بشارة المصطفى» نقل نموده است: امام صادق علیه السلام، آیه ۳۳ سوره مبارکه آل عمران را برخلاف مصحف موجود و به این شکل تلاوت می فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مِی فرمود: «هكذا أنزل» (طبری، ۱۳۹۰، ۵۳۳) شکی نیست که این روایات در تفسیر و توضیح آیه می باشد و جزء وحی قرآنی نیست، بلکه مقصود از نزول آیه و تفسیر آن را بیان می کند.

ب. تحلیل قرآنی روایت مربوط به شأن نزول آیه مباحله

روایت مربوط به شأن نزول آیه مباحله، در یک روایت از جلد سوم مستدرک حاکم و در قسمت فضایل مربوط به اهل بیت عصمت علیهم السلام تجلی یافته است:
«عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (آل عمران ۶۱) دعا رسول الله ﷺ علیاً و فاطمة و حسناً و حسیناً رضی الله عنهم فقال: «اللهم هؤلاء أهلی» هذا حديث صحيح علی شرط الشيخين ولم يخرجاه» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۷۶/۳، ح ۴۷۸۲).
از عامر بن سعد از پدرش نقل شده که می گوید هنگامی که این آیه: ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ﴾ نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین - که خداوند از آنان راضی باد - را فراخواند و فرمود: «خداوند! اینان اهل بیت من هستند».

۱. «اخبرني جعفر بن محمد بن نصير الخلدی بیغداد، حدثنا موسى بن هارون، حدثنا قتيبة بن سعيد، حدثنا حاتم بن اسماعيل عن بكير بن مسمار عن عامر بن سعد عن ابيه».

آیه ۶۱ سوره «آل عمران» که به آیه مباهله مشهور است، از آیاتی است که فریقین، شأن نزول آن را پیرامون جریان مباهله و محاجّه پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران نقل نموده‌اند. روایاتی که درباره شأن نزول آیه شریفه مباهله وارد شده، به روشنی از نزول آن درباره امیرالمؤمنین ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ، امام حسن و امام حسین ﷺ حکایت دارند. علاوه بر حاکم نیشابوری، بسیاری از مفسران محدّثان اهل سنت داستان مباهله را، گاه به اختصار و گاه با تفصیل بیشتر نقل کرده‌اند. از جمله مسلم نیشابوری، (بی تا: ۱۰۴۲، ح ۳۲) ابن عساکر (۱۴۱۴، ۳/۹۰)، نمیری بصری (۱۴۱۰، ۱/۵۸۳)، طبری (۱۹۸۸، ۳/۴۰۸)، سیوطی (۱۹۹۳، ۲/۳۸)، زمخشری (۱۳۸۵، ۱/۲۶۹ - ۲۷۰)، ابن اثیر (بی تا، ج ۴، ۲۶)، حسکانی (۱۴۱۱، ۱/۱۲۶)، ابن کثیر (۱۴۱۲، ۱/۳۱۹) و... نقل نموده‌اند. به عنوان نمونه، طی روایتی در این زمینه از تفسیر «نورالثقلین» به سند خود از ابن بابویه، به جریان مناظره‌ای بین امام رضا ﷺ و برخی علما در مجلس مأمون اشاره شده است. حضرت در اثبات برتری اهل بیت ﷺ طبق آیه مباهله چنین استدلال نمودند:

«خداوند، بندگان پاک خود را در آیه مباهله مشخص ساخته و به پیامبرش دستور [انجام مباهله با مسیحیان نجران] داده است... به دنبال نزول آیه، پیامبر ﷺ، علی و فاطمه، حسن و حسین ﷺ را با خود به مباهله برد... این مزیتی است که هیچ کس در آن بر اهل بیت ﷺ پیشی نگرفته و فضیلتی است که هیچ انسانی به آن نرسیده و شرفی است که قبل از آن هیچ کس از آن برخوردار نبوده است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱/۳۴۹).

به آیه مباهله می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین ادله قرآنی در اثبات ذریه بودن حسنین ﷺ استناد نمود. چرا که طبق شأن نزول مذکور، در این آیه از امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ با عنوان پسران رسول خدا ﷺ «أَبْنَاءَنَا» یاد شده است. در اثبات این مطلب که حسنین ﷺ از ذریه رسول خدا ﷺ هستند، علاوه بر آیه مباهله، می‌توان به آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام استناد نمود. در این آیات، عیسی بن مریم ﷺ، با وجود این که پدری نداشت، ولی از سوی مادر، به حضرت نوح ﷺ و ابراهیم ﷺ منتسب شد:

﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛ و اسحاق و يعقوب را به او [ابراهيم]

بخشیدیم و هر دو را هدایت کردیم و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم)؛ این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! ﴿ و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را؛ همه از صالحان بودند.

طبق قاعده جری و تطبیق و عدم انحصار آیات قرآن کریم به زمان یا افرادی خاص، می‌توان این موضوع را برای امام حسین علیه السلام نیز به اثبات رسانید و انتساب ایشان به واسطه حضرت فاطمه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز دلیلی بر ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله بودن ایشان عنوان کرد. این تحلیل در کلام بسیاری از مفسران و بزرگان فریقین نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه از مفسران شیعه، شیخ طوسی آیه را دلالتی بر این مطلب می‌داند که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام از اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و دلیل خود را این گونه تشریح می‌کند:

«وفی الآیة دلالة علی أن الحسن والحسین من ولد رسول الله صلی الله علیه و آله، لأن عیسی جعله الله من ذریة ابراهیم أو نوح، وإنما كانت أمه من ذریتهما» (طوسی، بی‌تا: ج ۴، ۱۹۴). در آیه دلالتی است که حسن و حسین علیه السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، زیرا خداوند، عیسی علیه السلام را از ذریه و نسل ابراهیم علیه السلام یا نوح علیه السلام قرار داد، در حالی که مادرش از ذریه ایشان بود.

ابوالفتوح رازی نیز، پس از تعجب‌آمیز قلمداد کردن سخن نواصب، پیرامون عدم انتساب حسنین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله به این آیه اشاره می‌نماید و بیان می‌کند که با وجود فاصله چندین هزار ساله میان عیسی علیه السلام و نوح علیه السلام، به تصریح قرآن، ایشان از ذریه نوح علیه السلام است. حال چگونه ممکن است حسنین علیه السلام به یک واسطه، یعنی حضرت فاطمه علیها السلام از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله نباشند؟» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۳۶۵/۷).

همچنین در آیه مباحله، فضیلتی بزرگ برای حضرت فاطمه علیها السلام وجود دارد. چرا که از حضرت با عنوان «نِسَاءَنَا» یاد شده است. این فضیلت در روایات تفسیری ذیل آیه ۴۲ سوره آل عمران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این آیه شریفه می‌خوانیم:

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۴۲)؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.

در دلالت این آیه بر فضیلت و برگزیدگی حضرت فاطمه علیها السلام می‌توان به منابع تفسیری و روایی فریقین استناد نمود، چراکه بسیاری از مفسران فریقین، برتری حضرت را طبق این آیه اثبات نموده‌اند. به‌عنوان نمونه در تفسیر «جامع البیان»، ذیل آیه ۴۲ سوره «آل عمران»، روایاتی پیرامون معرفی زنان برگزیده نقل شده است و در نهایت، مستند به برخی روایات از نبی اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام افضل بر تمام زنان عالم معرف شده است (طبری، ۱۹۸۸، ۱۸۰/۳). در تفسیر «التیان» ذیل این آیه کریمه، حضرت مریم علیها السلام به‌عنوان برترین زنان زمان خود و حضرت فاطمه علیها السلام به‌عنوان برترین زنان عالم در تمام زمان‌ها معرفی شده‌اند.

شیخ طوسی، این تفسیر را به امام باقر علیه السلام نسبت می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ۴۵۶/۲). نویسنده تفسیر «مجمع البیان» نیز همین دیدگاه را مطرح نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۴۵/۲). ابوالفتوح رازی در «روض الجنان»، پس از آن‌که آیه را دال بر برتری حضرت مریم علیها السلام بر سایر زنان زمان خویش می‌داند، حضرت فاطمه علیها السلام را برترین زنان عالم در تمام زمان‌ها می‌داند و در اثبات این مطلب به برخی روایات نبوی صلی الله علیه و آله استناد می‌کند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۳۱۸/۴). فخر رازی نیز در تفسیرش ذیل آیه ۴۲ آل عمران، آیه را دال بر برتری حضرت فاطمه علیها السلام بر دیگر زنان می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۱۸/۸). سیوطی در «الدر المنثور» ذیل آیه، طی نقل پنج روایت، دلالت آیه را بر برگزیدگی حضرت فاطمه علیها السلام واضح می‌داند (سیوطی، ۱۹۹۳، ۲۴/۲)، بخاری نیز در صحیح خود طی نقل روایتی، حضرت فاطمه علیها السلام را سرور بانوان معرفی می‌کند. مضمون روایت بدین شرح است: «فاطمة سيدة النساء أهل الجنة» (بخاری، ۱۴۰۷، ۲۱۹/۴). دلالت این روایت بر برتری حضرت بر زنان تمام عالم واضح است و این امر تأییدی بر مطالب مذکور می‌باشد.

ج. تحلیل قرآنی روایت ثقلین

حاکم نیشابوری روایت «ثقلین» را طی یک روایت از مستدرک خود، از زید بن ارقم نقل می‌کند. روایت نخست با مضمون زیر است:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إني تاركٌ فيكم الثقلين: كتاب الله و أهل بيته، و إنهما لن يفترقا

حَتَّى يردا عَلَى الحوض» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۷۴/۳، ح ۴۷۷۴).

بنابر حدیث مذکور، اهل بیت علیهم السلام همتا و قرین قرآن می‌باشند. خداوند متعال از قرآن به عنوان حَقِّ خالصی که باطل در آن راه ندارد، یاد نموده است:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت/۴۲)؛

که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است!

طبق آیه شریفه، از همان ابتدای نزول قرآن تا روز قیامت، هیچ‌گونه باطلی برای قرآن نمی‌توان متصور شد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷/۶۰۴). با درکنار هم نهادن آیه کریمه و حدیث ثقلین، می‌توان استدلال نمود که گفتار و کردار اهل بیت علیهم السلام از همان ابتدای صدور، تا روز قیامت، حق و به دور از باطل است. در نتیجه، ایشان از هر خطا معصوم‌اند. مؤید این استدلال، آیه ۳۳ احزاب (آیه تطهیر) است که در این آیه نیز، به عصمت اهل بیت علیهم السلام از هرگونه خطا و اشتباه تأکید شده است. ابن شهرآشوب در کتاب «مناقب آل ابی طالب علیهم السلام» و در اشاره به خطبه‌ای از امام علی علیه السلام در استدلال برتری عترت پیامبر صلی الله علیه و آله بر دیگران، توضیحاتی پیرامون حدیث ثقلین و همتایی اهل بیت علیهم السلام با قرآن را نقل نموده است. بنابر این روایت، حضرت در خطبه مذکور، پس از آن که اهل بیت علیهم السلام را مبین و مفسر قرآن معرفی می‌کنند، به آیه ۴۲ سوره «فصلت» اشاره نموده و اهل بیت علیهم السلام را مانند قرآن، مصون از هر خطا می‌دانند (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ۶۷/۴).

حدیث ثقلین را می‌توان به آیه شریفه تطهیر عرضه کرد و به تبع آن، عصمت اهل بیت علیهم السلام را نتیجه گرفت. چرا که در حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام عامل نجات و یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی شده‌اند. این نکته نشان‌گر این مطلب است که در آموزه-های اهل بیت علیهم السلام خطایی وجود ندارد و در نتیجه معصوم هستند. از سویی دیگر، اهل بیت علیهم السلام در این روایت در کنار قرآن قرار گرفته‌اند و قرآن نیز به دور از هرگونه خطا و باطلی است. هم‌چنین در آیه تطهیر نیز، پاکی اهل بیت علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته

۱. «حدثنا ابو بكر محمد بن الحسين بن مصلح الفقيه بالري، حدثنا محمد ابن ايوب، حدثنا يحيى بن المغيرة السعدي، حدثنا جرير بن عبد الحميد عن الحسن بن عبد الله النخعي عن مسلم ابن صبيح عن زيد ابن ارقم».

است که روایاتش از نظر گذشت. در نتیجه، چگونگی تطبیق روایت ثقلین با آیه شریفه ۳۳ احزاب واضح است.

د. تحلیل قرآنی روایات مربوط به مودت اهل بیت علیهم‌السلام

حاکم نیشابوری در نقل فضایل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام روایاتی را آورده است که در آن‌ها پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نسبت به دوستی با اهل بیتش سفارشات بسیاری نموده و تبعات سوئی را برای دشمنی اهل بیت علیهم‌السلام برشمرده است. در روایتی از این کتاب، از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«أَحْبُوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ، وَأَحْبُونِي لِحَبِّ اللَّهِ، وَأَحْبُوا أَهْلَ بَيْتِي لِحَبِّي»
(حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۷۵/۳، ح ۴۷۷۹)؛ خدا را دوست داشته باشید به خاطر این- که روزی رسان شماست، من را هم دوست داشته باشید به خاطر دوست داشتن خدا، اهل بیت علیهم‌السلام مرا هم دوست داشته باشید به خاطر دوست داشتن من.

در دو حدیث و با اندکی اختلاف مضمون، از زید بن ارقم و ابوهریره نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام فرمودند:

«أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبَكُمْ وَسَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ» (همان، ۱۷۴/۳ - ۱۷۵، ح ۴۷۷۶ و ۴۷۷۷)؛ من دوستم با کسانی که با شما دوستی دارند و می‌جنگم با کسانی که با شما می‌جنگند.

پیرامون عواقب دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام نیز، دو روایت در مستدرک حاکم نقل شده است. از ابی سعید خدری نقل شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ» (همان، ۱۷۶/۳،

۱. «وحدثنا احمد ابن سهل الفقيه و محمد ابن علي الكاتب البخاريان ببخارى قالا: حدثنا صالح بن محمد بن حبيب الحافظ، حدثنا يحيى بن معين، حدثنا هشام بن يوسف حدثني عبدالله ابن سليمان النوفلي عن محمد بن علي بن عبد الله بن عباس عن ابيه عن ابن عباس».
۲. «اخبرنا احمد بن جعفر القطيعي، حدثنا عبدالله بن احمد بن حنبل حدثني ابي، حدثنا تليد بن سليمان، حدثنا ابو الجحاف عن ابي حازم عن ابي هريره».
۳. «حدثنا ابو العباس محمد بن يعقوب، حدثنا العباس بن محمد الدوري، حدثنا مالك بن اسماعيل، حدثنا اسباط بن نصر الهمداني عن اسماعيل بن عبد الرحمن السدي عن صبيح مولى ام سلمه عن زيد ابن ارقم».

ح ۴۷۸۰)؛ قسم به کسی که جانم در دست اوست، هیچ کس با ما اهل بیت علیهم السلام دشمنی نمی کند مگر این که خداوند او را وارد آتش جهنم می کند.

در آخرین حدیث نیز از ابن عباس نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فلو أن رجلاً ضمن بين الركن و المقام فضلى و صام، ثم لقي الله و هو مبغض لأهل بيت محمد صلی الله علیه و آله دخل النار» (همان، ۱۷۴/۳، ح ۴۷۷۵).

احادیث و روایات بیان شده، نشان دهنده لزوم دوستی با اهل بیت علیهم السلام و پرهیز از دشمنی با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است. در قرآن کریم نیز، به مودت و محبت و رزیدن نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تأکید ویژه ای شده است. در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری، مودت به «ذی القربی» اجر رسالت نبوی صلی الله علیه و آله عنوان شده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ طبق نقل روایات و تفاسیر، این آیه در شأن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. برای نمونه، در روایتی از منابع شیعه، عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که درباره آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری/۲۳) فرمود: «هُمُ الْأَنْمَةُ» (کلینی، ۱۳۸۸، ۴۱۳/۱). هم چنین آن حضرت در روایتی فرمود: «افتراق الحسنة مودتنا أهل البيت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۶/۲۵۲)؛ انجام دادن کار نیک، مودت ما اهل بیت است.

در منابع تفسیری و روایی اهل سنت نیز شواهد بسیاری پیرامون نزول این آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. از جمله زمخشری، صاحب الکشاف در مورد «قریبی» در آیه مودت می گوید: «قریبی، مانند زلفی، مصدر است و به معنای «قرابت» می باشد و مراد از آن، اهل قریبی است چنان چه روایت شده وقتی آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ نازل شد به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: «یا رسول الله! من قرابتک هؤلاء»

۱. «حدثنا أبو عبدالله محمد بن عبدالله الصفار، حدثنا أبو عبدالله محمد بن عبدالله ابن حسن الاصبهانی، حدثنا محمد بن بکیر الحضرمی، حدثنا محمد بن فضیل الضبی، حدثنا ابان بن ثعلب عن جعفر بن ابیاس عن ابی سعید الخدری».

۲. «حدثنا أبو جعفر احمد بن عبید بن ابراهیم الحافظ الاسدی بهمدان، حدثنا ابراهیم بن الحسین بن دیزیل، حدثنا اسماعیل بن ابی اویس، حدثنا ابی عن حمید بن قیس المکی عن عطا بن ابی رباح و غیره من اصحاب ابن عباس عن عبدالله بن عباس».

الَّذِينَ وَجِبَتْ عَلَيْنَا مَوْلِدُهُمْ؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنُهُمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲۲۱/۴) ای رسول خدا! نزدیکان شما که مودت ایشان بر ما واجب است، کیانند؟ فرمود: علی، فاطمه و فرزندان ایشان علیهم‌السلام. هم‌چنین قرطبی از ابن عباس و سعید بن جبیر نقل می‌کند که: «وقتی این آیه نازل شد، سؤال کردند: مراد از «قربی» کیان‌اند؟ پیامبر فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آن دو علیهم‌السلام» سپس برای تأیید این قول روایات متعدّد از جمله روایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را آورده که فرمود: «حرمت الجنة علی من ظلم اهل بیتی و آذانی فی عترتی» (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۸/۱۳) بهشت بر هر که بر اهل بیتم ظلم کند و عترتم را بیازارد، حرام است. و نیز قرطبی از ابن عباس نقل کرده که «مراد از حسنه در «وَمَنْ يُقْتَرِفْ حَسَنَةً» مودت آل محمد علیهم‌السلام است» (همان، ۱۹).

ه. تحلیل قرآنی روایت «سفینه»

حاکم نیشابوری در نقل آخرین روایت مربوط به فضایل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به حدیث سفینه اشاره می‌کند، و این حدیث شریف را از صحابی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جناب ابوذر این‌گونه نقل می‌نماید:

«عَنْ أَبِي ذَرٍّ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: أَلَا إِنَّ مَثَلِ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ قَوْمِهِ مِنْ رَكْبِهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۷۷/۳، ح ۴۷۸۳^۱): از ابوذر نقل شده: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم: مثل اهل بیت من در میان شما، مانند مثل کشتی نوح در قومش است. هر کس در آن سوار شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند، غرق می‌شود.

خداوند در سوره اعراف، پیرامون سرنوشت افرادی که به کشتی نوح وارد شدند و افرادی که تخلف ورزیدند می‌فرماید: ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ﴾ (اعراف/۶۴) با عرضه روایت «سفینه» بر این آیه، می‌توان ارتباط تنگاتنگ حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آیه کریمه را دریافت. چراکه در آیه مذکور، نجات نوح علیه‌السلام و یارانش در قبال سوار شدن در کشتی مطرح شده است و

۱. «اخبرني احمد بن جعفر بن حمدان الزاهد ببغداد، حدثنا العباس بن ابراهيم القراطيسي، حدثنا محمد بن اسماعيل الاحمسي، حدثنا مفضل بن صالح عن ابي اسحاق عن حنش الكناني، قال: سمعت اباذر لنه يقول وهو اخذ بياب الكعبه من عرفني فانا من عرفني، و من انكرني فانا ابو ذر سملت النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم».

هم‌چنین در حدیث نبوی ﷺ سفینه، نجات امت اسلام در ازای تمسک به اهل بیت ﷺ و داخل شدن در کشتی نجات بخش ایشان مطرح است.

برخی علما از جمله مناوی (۱۳۵۶، ۴۳۴/۱)، وجوب اطاعت و پیروی را از حدیث سفینه فهمیده‌اند. زیرا اطاعت از آنان که یگانه سبب نجات‌اند، موجب نجات است و هرچه سبب نجات گردد واجب است، پس اطاعت واجب است (رضایی، ۱۳۹۱، ۱۱۵). پیرامون وجوب اطاعت از اهل بیت ﷺ در قرآن کریم، نیز می‌توان به آیه اولی الامر: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ﴾ (نساء/۵۹) مراجعه نمود. این حدیث، دلالت بر عصمت اهل بیت ﷺ نیز دارد، چراکه اگر کشتی اهل بیت ﷺ، را کبین خود را از خطر غرق شدن حفظ می‌نماید، پس به طریق اولی، خود از غرق شدن مصون است و إلا، صادق امین که فرمان به رکوب کشتی معیوب داده است، باید خائن باشد! و حاشا لله من ذلک (حسین، ۱۳۶۶، ۹۵۶/۲۳) اگر آن‌که پیرویش واجب است، محتمل الخطا باشد، برای نجات پیرو، ضمانتی نیست و حال آن‌که در حدیث، نجات پیروان اهل بیت ﷺ تضمین شده است (علم‌الهدی، ۱۴۱۰، ۱۲۰/۳). سرپیچی از آن‌که در مسیر خطا است، موجب هلاکت نیست و حال آن‌که پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس از اهل بیت ﷺ تخلف کند، اهل هلاکت است» (حسین، ۱۳۶۶، ۹۷۶/۲۳). در نتیجه، حدیث سفینه دلالت بر عصمت اهل بیت ﷺ نیز دارد. خاطر نشان می‌گردد، خداوند متعال عصمت اهل بیت ﷺ را در قرآن کریم متذکر شده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳).

و. تحلیل قرآنی روایات مربوط به «ولایت علی ﷺ»

در مستدرک حاکم، روایات فراوانی وجود دارد که در آن‌ها به حادثه یا واقعه‌ای اشاره شده که پس از آن پیامبر ﷺ، علی ﷺ را با عنوان «ولی» خطاب کرده است و ایشان را، مولای هر مؤمن معرفی نموده است. در حدیثی، داستان سپاه یمن را نقل کرده است که در آن حدیث معروف ولایت، از پیامبر ﷺ خطاب به علی ﷺ عنوان گردیده است. وی از سعید بن جبیر و ابن عباس و بریده الاسلمی نقل می‌کند:

«غزوت مع علی رضی الله عنه إلى یمن فرأیت منه جفوة فقدمت علی رسول الله ﷺ فذكرت علیاً فتنقصته فرأیت وجه رسول الله ﷺ يتغير فقال: «یا بريدة ألسنت أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟» قلت بلی یا رسول الله فقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷، ۱۲۷/۳، ح ۴۶۴۲) و در نقل همین ماجرا از عمران بن حصین نقل می‌کند که از پیامبر ﷺ شنیده که می‌گفت: «علی منی و أنا منه و ولی کل مؤمن» (همان، ۱۲۸/۳، ح ۴۶۴۳).

در حدیثی دیگر نیز از قول ابن عباس نقل کرده است که از پیامبر ﷺ شنیده که به علی می‌گفت: «أنت ولی فی الدنيا والآخرة» (همان، ۱۵۶/۳، ح ۴۷۱۸) اما احادیث بسیاری در مستدرک با الفاظ گوناگون و محتوای یکسان و از صحابه مختلف موجود است که پیامبر ﷺ در روز غدیر، علی بن ابی طالب را به‌عنوان «ولی» خود معرفی نموده است. حاکم در حدیثی از زید بن ارقم، نقل کرده است: «لما رجع رسول الله ﷺ من حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن فقال: «کأنتی قد دعیت فأجبت، إنی قد ترکت فیکم الثقلین أحدهما أكبر من الآخر: کتاب الله تعالی وعترتی فانظروا کیف تخلفونی فیها فإنها لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» ثم قال: «إن الله عز وجل مولای و أنا مولی کل مؤمن» ثم أخذ ید علی رضی الله عنه فقال: «من كنت مولاه فهذا ولیه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» (همان، ۱۲۶/۳، ح ۴۶۴۰) در نقلی

۱. «حدثنا محمد بن صالح بن هانی، حدثنا احمد بن نصر و اخیرنا محمد بن علی الشیبانی بالكوفة، حدثنا احمد بن حازم الغفاری و انبا محمد بن عبدالله العمری، حدثنا محمد بن اسحاق، حدثنا محمد بن یحیی و احمد بن یوسف قالوا، حدثنا ابو نعیم، حدثنا ابن ابی غنیه عن الحكم عن السعید بن جبیر عن ابن عباس عن بريدة الاسلمی».
۲. «حدثنا ابو عبدالله محمد بن یعقوب الحافظ حدثنی ابی و محمد بن نعیم قالوا: حدثنا قتیبه بن سعید، حدثنا جعفر بن سلیمان الضبعی عن یزید الرشک عن مطرف عن عمران بن حصین».
۳. «حدثنا ابوبکر بن اسحاق انبا زیاد بن خلیل القشیری، حدثنا کثیر بن یحیی، حدثنا ابو عوانه عن ابی بلج عن عمرو بن میمون عن ابن عباس».
۴. «حدثنا ابو الحسن محمد بن احمد بن تمیم الحنظلی ببغداد، حدثنا ابو قلابه عبد الملک ابن محمد الرقاشی، حدثنا یحیی بن حماد و حدثنی ابو بکر محمد بن احمد بن بالویه و ابو بکر احمد بن وجعفر البزار قالوا: حدثنا عبدالله بن احمد بن حنبل حدثنی ابی، حدثنا یحیی بن حماد. وحدثنا ابو نصر احمد بن سهل الفقیه ببخاری، حدثنا صالح بن محمد الحافظ البغدادی، حدثنا خلف بن سالم المخرمی، حدثنا یحیی بن حماد، حدثنا ابو عوانه عن سلیمان الاعمش قال: حدثنا حبیب ابن ابی ثابت عن ابی الطفیل عن زید بن ارقم».

دیگر از ابی طفیل از ابن وائل و باز از زید بن ارقم، شبیه همین روایت را آورده است (همان، ۱۲۶/۳ - ۱۲۷، ح ۴۶۴۱). در روایتی دیگر از سعد بن مالک نقل می‌کند که مردی برای او گفت: «قال رسول الله يوم غدیر خم بعد حمدالله و الثناء علیه: «هل تعلمون انی اولى بالمؤمنین؟» قلنا: نعم، قال: «من كنت مولاه فعلى مولاه، وال من والاه، وعاد من عاداه» (همان، ۱۴۱۷، ۱۳۵/۳، ح ۴۶۶۵).

«ولایت»، نقطه مشترک تمام احادیث نقل شده در مستدرک حاکم است. در عرضه روایات مربوط به ولایت امام علی علیه السلام به آیات قرآن کریم، می‌توان به آیاتی اشاره نمود که در روز غدیر و در اعلان ولایت حضرت توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده‌اند. از جمله این آیات، آیه ۶۷ سوره مائده (آیه تبلیغ) است: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند (مائده: ۶۷). جمله‌بندی آیه و لحن خاص و تأکیدهای پی‌درپی آن و هم‌چنین شروع آن با خطاب «یا ایها الرسول» و تهدید پیامبر صلی الله علیه و آله به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که منحصرأ در این آیه از قرآن آمده، نشان از آن دارد که سخن از حادثه مهم بوده است که عدم تبلیغ آن، مساوی با عدم تبلیغ رسالت در مدت ۲۳ سال شمرده شده است. آن امر مهم و خطیری که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به ابلاغ آن شده است؛ «ولایت» یعنی تداوم نبوت است. جمله «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» نیز نهایت تأکید و حکم مزبور را می‌رساند. این حکم در درجه و منزلتی است که اگر تنها آن را انجام ندهی، مثل آن است که به‌طور کلی، هیچ‌یک از رسالات خدا را که متحمل و متعهد شده‌ای، انجام نداده‌ای! که این همان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. مؤید این استدلال، روایات

۱. «حدثنا ابوبکر بن اسحاق ودعلج بن احمد السجزي قالوا انبا محمد بن يعقوب، حدثنا الازرق بن علي، حدثنا حسان بن ابراهيم الكرماني، حدثنا محمد بن سلمه بن كهيل عن ابيه عن ابى الطفيل عن ابن وائل انه سمع زيد بن ارقم».
۲. «فحدثنا ابو زكريا يحيى بن محمد العنبري، حدثنا ابراهيم بن ابى طالب، حدثنا علي بن المنذر، حدثنا ابن فضيل، حدثنا مسلم الملائي عن خيثمه بن عبد الرحمن قال: سمعت سعد بن مالك».

معتبری از فریقین است که شأن نزول آیه را پیرامون اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۳، ۲۸۱/۱؛ مفید، ۱۴۱۲، ۶؛ غزالی، ۱۴۲۴، ۱۸/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۲۹۸/۲ و...).

علاوه بر آیه ۶۷ سوره مائده، بر اساس روایات تفسیری فریقین، پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم، علی علیه السلام را به جانشینی خویش انتخاب فرمودند، آیه سوم سوره مائده: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ نازل شده و طبق این آیه، دین با ولایت علی علیه السلام کامل شد. بر اساس گزارش‌های جوامع حدیثی شیعه، آیه اکمال در روز پنج‌شنبه، ۱۸ ذی‌حجه سال دهم هجری، به هنگام بازگشت از حجة الوداع در محل جحفه (غدیر خم) نزول یافته است. به عبارت دیگر، پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پایه آیه تبلیغ، دستور یافت که حاجیان را قبل از پراکنده شدن در محل غدیر خم متوقف کند و ولایت و جانشینی علوی را بیان دارد و از همگان بیعت رسمی بگیرد، آیه اکمال مبنی بر اکمال دین و اتمام نعمت فرود آمد (کلینی، ۱۳۸۸، ۳۴۵/۱). در همین رابطه، شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: می‌خواهم بدانم که ولایت علی علیه السلام از جانب خدا بود یا از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله؟ امام در پاسخ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با تفاوتی از آن بودند که بدون دستور خداوند چنین کاری را انجام دهند. بلکه همان‌گونه که نماز، روزه، حج، زکات، جهاد و... واجب شده بود، ولایت و امامت نیز بر من واجب شد (همان).

در برخی منابع اهل سنت نیز، شأن نزول این آیه در روز غدیر خم عنوان شده است. در کتاب «تاریخ مدینه دمشق» از ابوهریره نقل شده: «من صام يوم ثمانية عشر من ذی الحجة كتب الله له صيام ستين شهراً وهو يوم غدیر خم لما أخذ رسول الله صلی الله علیه و آله بيد علی - بن ابي طالب علیه السلام فقال: ألسنت مولى المؤمنین؟ قالوا: نعم یا رسول الله فأخذ بيد علی بن ابي طالب علیه السلام فقالوا: من كنت مولاه فعلى مولاه فقال له عمر بن خطاب بنح یا علی بن ابي طالب أصبحت مولای ومولى كل مسلم قال فأنزل تبارک و تعالی اليوم أكملت لكم...» (ابن عساکر، ۱۴۱۸، ۲۳۴/۴۲). حاکم حسانى نیز از ابوسعید خدری نیز نقل نموده است: «أن النبی دعا الناس إلى علی فأخذ بضبعیه فرفعهما ثم لم یفترقا حتى نزلت هذع الآية: «الیوم أكملت...» فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: الله اکبر علی اکمال الدین

واتمام النعمة ورضا الرب برسالتی والولاية العلی ثم قال للقوم: من كنت مولاه فعلی مولاه» (حسکانی، ۱۴۱۱، ۲۰۳/۲) خداوند، قبل از وفات نبی مکرم ﷺ، دین خود را کامل ساخت و قرآن را که تیبان کل شیء بود (نحل: ۸۹) بر او نازل کرد و در آن، حلال و حرام و حدود و احکام را به طور کامل بیان کرد و فرمود: ﴿مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام: ۳۸) و در واپسین روزهای حیات رسول خدا ﷺ، آیه اكمال دین را در ارتباط با نعمت امامت نازل فرمود (مولایی نیا و توکل محمدی، ۱۳۹۳، ۹۵).

دیگر آیاتی که شأن نزول آن را پیرامون غدیر و پس از انتصاب امیرالمؤمنین ﷺ به جانشینی پس از رسول خدا ﷺ دانسته اند، آیاتی از سوره معارج است: ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾؛ تقاضاکننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! * این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند (معارج: ۱-۲).

طبق روایات و تفاسیر، شأن نزول آیه این گونه عنوان شده است: «رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم خطبه ای ایراد فرمودند و سخنرانی کردند و مطالبی را که خدا می خواست در آن مطرح نمودند و درباره علی ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ مطالبی را به میان آوردند و فرمودند: «یا ایها الناس! ألسنت اولی بکم من أنفسکم؟»؛ ای مردم! آیا من از خودتان بر شما سزاوارتر نیستم؟ پاسخ دادند: چرا همین طور است. فرمود: «فمن كنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه...؛ پس هر کس من مولای او هستم، علی ﷺ مولای اوست، خدایا دوست دار وی را دوست بدار و دشمنش را دشمن...» آن گاه مردم با حضرت علی ﷺ بیعت کردند... این خبر در جای جای منطقه و نقاط و سرزمین های مختلف پیچید تا آنان که در این حج با رسول خدا ﷺ همراه نبودند نیز، از این خبر آگاه شدند.

در همین روزها مردی با شتر خویش آمد و آن را کنار در مسجد بست و وارد مسجد شد. رسول خدا ﷺ در مسجد بود و اصحابش پیرامون ایشان نشسته بودند. آن مرد پیشاپیش رسول خدا ﷺ بر دو زانو نشست و عرض کرد: ای محمد! تو به ما فرمان دادی که گواهی بدهیم خدایی جز الله نیست و تو رسول خدا هستی. ما نیز پذیرفتیم. تو بر ما فرمان دادی که شبانه روز پنج مرتبه نماز بخوانیم، در ماه رمضان

روزه بگیریم، به حج خانه خدا برویم و زکات مال را پردازیم، ما نیز پذیرفتیم. اما تو به این اندازه راضی نشدی تا این که دست عمو زاده خود را بالا بردی و او را بر مردم برتری دادی و گفتی: هر کس من مولای او هستم، علی علیه السلام نیز مولای اوست! این سخن توست یا از خداوند؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که دیدگانش قرمز شده بود، فرمودند: «والله الذی لا إله إلا هو، إنّه من الله و لیس منّی؛ به خدایی که جز او خدایی نیست، این امر از جانب خداوند است و از سوی من نیست». و این جمله را سه مرتبه تکرار نمود.

در این هنگام، آن مرد برخاست و می گفت: خدایا! اگر آن چه محمّد صلی الله علیه و آله می گوید حق است، سنگی از آسمان بر من نازل کن یا عذابی دردناک بر من بفرست. راوی می گوید: به خدا سوگند، هنوز آن مرد بر شترش نرسیده بود که خداوند از آسمان سنگی را به سوی او پرتاب کرد و بر فرق سر او اصابت کرد و از دُبرش خارج شد. او فوری جان داد و خداوند متعال این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد: «سأل سائل...» (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۵۰۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۳۲۷۲/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۳۵/۱۰؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ۴۰۲/۱۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ۳۸۱/۲ - ۳۸۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸، ۲۰۲/۴).

این شأن نزول از آیه کریمه، یکی از روشن ترین دلایلی است که نشان می دهد فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم یعنی: «من کنت مولاه، فهذا علی مولاه» به صراحت و به طور قطع بر امامت کبری و ولایت عظمای حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله دلالت دارد. زیرا اگر منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله از ولایت، دوست داشتن و یا یاری رسانی بود، آن اعرابی هرگز اعتراض نمی کرد و نمی پرسید که این سخن خود توست یا سخن خداوند. بلکه سخن او که گفت: شما به ما دستور دادی که... اما به این اندازه راضی نشدی تا این که دست عمو زاده خود را بالا بردی و او را بر مردم برتری دادی و گفتی: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» به صراحت نشان می دهد که حدیث غدیر بر امامت و خلافت حضرت علی علیه السلام دلالت دارد. در غیر این صورت، دلیلی برای این اعتراض وجود نداشت تا به این زشتی در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله اعتراض کند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سوگند یاد کند: «به خدایی که جز او خدایی نیست، این سخن خداوند است و از من نیست» (میلانی، بی تا، ۷۳ - ۷۴).

نتیجه گیری

مسأله کلیدی این پژوهش، چگونگی تطبیق محتوایی روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام در «مستدرک علی الصحیحین» با آیات قرآن کریم است. این پژوهش، نقل روایات فضایل اهل بیت علیهم السلام در جلد سوم مستدرک حاکم و عرضه آن‌ها به آیات کلام وحی را، رهیافتی مناسب جهت پاسخ به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱. روایات مربوط به شأن نزول آیه تطهیر، در پنج مورد از احادیث مستدرک حاکم و در قسمت فضایل مربوط به اهل بیت علیهم السلام تجلی یافته است که شامل روایات مربوط به آیه ۳۳ احزاب و حدیث کساء می‌باشد. کثرت روایات نقل شده از حاکم در این زمینه، با توجه به حجمی که برای روایات فضل اهل البیت علیهم السلام در جلد سوم کتاب مستدرک اختصاص یافته، نشان دهنده این مطلب است که حاکم نیشابوری، اهل بیت را منحصر در پنج تن - نبی مکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام - می‌داند. روایات شأن نزول آیه تطهیر و حدیث کساء را می‌توان به آیه ۷۹ سوره واقعه عرضه کرد. در این آیه دسترسی به قرآن مختص پاکان و «مطهرون» عنوان شده است. حاکم پس از نقل این روایات، صلواتی را برای اهل بیت علیهم السلام نقل می‌کند که در آن به تحیت بر آل ابراهیم علیهم السلام و آل محمد صلی الله علیه و آله تأکید شده است. این صلوات را می‌توان به آیه ۳۳ سوره آل عمران عرضه نمود و برتری خاندان نبوت علیهم السلام را از این آیه استنباط نمود.

۲. روایات شأن نزول آیه مباحله، در یک مورد از احادیث مستدرک حاکم تجلی یافته است. طبق این روایت، شأن نزول آیه مباحله با آیه تطهیر گره خورده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پس از نزول آیه ۶۱ سوره آل عمران، عترت خویش را از «اهل» خویش معرفی نمودند. آیه مباحله و نیز آیه ۸۴ و ۸۵ سوره انعام دلیلی محکم، بر ذریه بودن حسنین علیهم السلام هستند. هم‌چنین در اثبات برگزیدگی «(نساءنا)» در آیه کریمه، می‌توان به روایات تفسیری ذیل آیه ۴۲ سوره انعام مراجعه نمود.

۳. طبق محتوای حدیث ثقلین که در یک روایت از مستدرک حاکم تجلی یافته است، اهل بیت علیهم السلام هم‌تا و قرین قرآن هستند. قرآن کریم نیز خود را حق و دور از باطل معرفی نموده است. در نتیجه می‌توان گفت: گفتار و کردار اهل بیت علیهم السلام نیز، حق و

- به دور از باطل است و این نشان‌دهنده عصمت اهل بیت علیهم‌السلام است.
۴. روایات زیادی با اسناد گوناگون، ولی محتوای یکسان، در مستدرک حاکم وجود دارد که طی آن‌ها نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به محبت و ورزیدن نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام تأکید نموده‌اند. روایات وجوب محبت اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان با آیه ۲۳ سوره شوری (آیه مودت) مطابق دانست. در این آیه، محبت و ورزیدن به خاندان عصمت علیهم‌السلام اجر رسالت عظمای نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عنوان شده است.
۵. طبق مدلول حدیث سفینه، اهل بیت علیهم‌السلام مانند کشتی نوح علیه‌السلام و عامل نجات امت می‌باشند و هر کس به ایشان تمسک کند، نجات می‌یابد و تخلف از فرامین اهل بیت علیهم‌السلام، موجب غرق شدن و هلاکت می‌گردد. وجوب محبت اهل بیت علیهم‌السلام، عصمت اهل بیت علیهم‌السلام و وجوب اطاعت از ایشان را می‌توان از حدیث سفینه استنباط نمود. وجوب محبت اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان با آیه مودت مطابق دانست. عصمت اهل بیت علیهم‌السلام نیز از آیه تطهیر قابل استنباط است و وجوب اطاعت ایشان را، می‌توان از آیه ۵۹ سوره نساء استنباط نمود.
۶. در تطبیق روایات مستدرک حاکم در حوزه ولایت امام علی علیه‌السلام به آیات قرآن، می‌توان به آیاتی اشاره نمود که پیرامون واقعه غدیر و در اعلان ولایت امام علی علیه‌السلام توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده‌اند. از جمله آن‌ها، آیه تبلیغ است. پس از نزول آیه ۶۷ سوره مائده که به آیه تبلیغ مشهور است، نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور به ابلاغ ولایت حضرت علی علیه‌السلام گردید و این امر، در روز غدیر خم و با بیان حدیث غدیر: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محقق شد. هم‌چنین طبق روایات معتبر فریقین، در روز غدیر خم، پس از آنکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به جانشینی پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منصوب گردید و حدیث غدیر ایراد شد، آیه سوم سوره مبارکه مائده نازل گردید و دین خدا، با اعلام ولایت حضرت علی علیه‌السلام کامل گردید. درخواست عذاب برای انکار کننده حدیث غدیر و ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام، مسبب نزول آیات اول و دوم سوره معارج شد و فردی که انتساب علی بن ابی طالب علیه‌السلام به مقام ولایت را امری غیر الهی می‌دانست، به عذاب دردناک الهی دچار شد.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن اثیر، علی بن احمد (بی‌تا)، اسدالغابة فی معرفة الصحابه، تهران، اسلامیه.
۳. ابن خلکان، احمد بن ابراهیم (۱۳۶۴)، وفيات الأعیان، قم، منشورات شریف رضی.
۴. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۴۱۴ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، قم، علامه.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۲ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، بی‌جا.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۸. آجری بغدادی، ابوبکر محمد بن حسین (۱۴۱۷)، الشریعه، قاهره، مؤسسه قرطبه.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
۱۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷ق)، المستدرک علی الصحیحین، مصر، دارالحرمین.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۱۳. حسین، میرحامد (۱۳۶۶ق)، عبقات الأنوار، اصفهان، کتاب‌خانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
۱۴. رضایی، غلام‌رضا، پژوهشی در حدیث سفینه، کلام اسلامی، سال ۲۱، شماره ۸۴، زمستان ۱۳۹۱.
۱۵. زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، تفسیر الکشاف، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۱۹۹۳م)، الدر المنثور، بیروت، دارالفکر.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبری، عمادالدین ابو جعفر محمد بن ابوالقاسم (۱۳۹۰)، بشارة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لشعبة المرتضى علیه‌السلام، ترجمه محمد فرودی، قم، انتشارات نهاوندی.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۹۸۸م)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، قاهره، دارالسلام.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. عروسی حویزی، عبد علی جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۵۷ق)، تفسیر الکبیر، مصر، مکتبه عبدالرحمن.
۲۳. فخر رازی، محمود بن عمر (۱۴۲۹ق)، تفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. قرطبی، محمد (۱۴۰۵ق)، الجامع لأحكام القرآن، قاهره، دارالکتب العربی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الکافی، طهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
۲۸. مناوی، زین‌الدین (۱۳۵۶)، فیض‌القدیر بشرح جامع‌الصغیر، مصر، المکتبه النجاریه.
۲۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی‌تا)، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۳۰. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس، قم، الهادی.
۳۱. هیشمی، احمد بن محمد (۱۳۸۷ق)، الصواعق‌المحرقة علی أهل‌الرفض و الضلالة و الزندقه، بیروت، مؤسسه الرساله.

